

چرا از ارایه خبری نیست؟

آنمازگه ریا کارانه برای حفظ منافع خود از یه را «خندتگذار»

«کلیهیات خود باید بفکر خویش باشند»

رجمہ اسحقی، مراد ال

در قبرس چه میگذرد

من با مسئله بیوود تماس لرزدیک داشته
ام ولی ایندا انتظاری نداشتم چون همان را که در هزیره قبرس نظرم رسیدو
از انتظار چهایان بوده بده سگنهاده شد
الله به پیغم و زمین چو هوت است که این
همال را ن تکارم > خاتم گردوار در
این مقاله اوضاع هزیره قبرس را که
از آنها تا للصطفان لعلت یک شب دارد
است شرح می شهد . پیغای در صلحه ۴

خبرها روت گز و هر لوپسله
مقاله از مرآکر انطاکس آسوب دیده
جهان در اروپا دین کرده و به
کوچه هم و من السطوان سر ناسر آنکه
را گردش نموده
او تاها خبر نگذاردی است که
اجاهه الکلیسا یوره راهی کینهه مرا
به یزیره نبرس داخل شده است
نامبرده میگوید اگرچه هندسان
خانوین هوام رفایه هم میگیرد
دسته های رابر طندهای از مردم نیز باشد
میگنند، الشهاده ای ماجرا که از مردمها پیش
نمیگهده است در هر فعلیت همین میباشد
بالطفه و کینهه های مصنوعی در دل بسیاری
از افراد ساده و بی تپر همیشه همیشه ای از
مردم ایران ایجاد میگنند و گروهی را
دھار جیجان و هرب مینباشد
آن به سلام است ابتكار این بازیها
در دست ای ایالیم است که برای تحکیم
مولویت متر لزل طویش دست و ایامگنند،
آن بیعت ای ایاهی و شهوه دل این
بله در مصلحت ۲

یکی از شهرهای تاریخی فلسطین

مُفَادِ رَايْشَتْ گا إِلَه

سلاط که امروزه مشهورین مر کر تعلیم
لیالاً میباشد در قله کوهی در گابلیه
علیها واقع و سبط پستاخ دربا ۸۵۰ متر
از تلخ دارد و نظر بسیار تاریخی بهمنی
که داده برای ملت ایسرائل و آنها همی

خاص است.
سوابق هامه بهودی صنادار زمان
مهد دوم میباشد هنی (بوحنان هر قانون)
طبقه در صفحه ۷

حقایقی، چند بعنوان مقدمہ

مشکلات طافات فرسای زده گئی مارا
از هر طرف اجاطه کرده بهر که مینگریم
پادر کس بوربو مشویم او را از خود
گرفتار نشاند همینهم
بارها در پاره اخفاپسیک دارای
و سال‌زده گئی مجلل، بازکهای هال-هی
آن‌میل شده‌اند، سرمایه سه هزار هکام بهاند
اسباب هیچ هفتاد و شصت گلارانی و
تمار...، می‌باشند صبور موکبین خنما از
زندگی راضی و کاملاً اسلامات منه می‌باشند.
ولی مناسلهای پا خلوه هبختانه و قلی از احوال
لندگر آن‌باره سه، کنیه خواهند گفت که «ای

د رماییسم و عو ارض خطر ناک آن
آینده کو د کان شما بستگی کامل بسلامتی
قال، آنها در

شبانشیینی باشکوهی دارهتل پالاس
بنفع روزنامه ایسرائل برقرار است

در این شب شنی که برا بات از شب لشی کل میگل نواز هر سیت پنجه
است مدة زیادی از پیشین لوازنده کان را دیگر هم نمیگیرد و نیز خوانندگان د
لوازنده کان را دیگری توان از شنید که دارند.
علاوه بر موزیک های ایرانی و اروپایی و راقم های متعدد هر ای زن و مرد اهل های
جهان دیده میباشد که توسط خواننده های معتبر که همه انتظار شنیدن آوار داشتند او را
دارند خوانده میشود چنانچه های هم برای هر کشت کنندگان در نظر گرفته شده
است با اینکه در این شب لشی مخاطره باشد شب تاریخی برای همچشمی در میان همها
بالی خواهد ماند.

10. The following table shows the number of hours worked by each employee.

دروان شب شنی که بدر آب از هب شبی شنی میل میبل نروار هر سیت پینظمه است مدة زیادی از پیرین نوازندگان را دیپولنده و مشهور نوبن خوانندگان و نوازندگان را دیپولی نهادن شر که دارند همراه بپوشانند و غیره بر تراویه های این و ازو باشند و در این های متنوع هر لی و غیره بر تراویه های مغلوب هستند

بایان خواهد مالد
دارند خواینده میشود جایزه های هم برا ای هر کشت کنند گان در نظر گرفته شده
است با این کشت در این شب لشتنی ساخته را که شب تاریخی برا ای همیشه در ملک هما

گنجای دنبوی

اسکندر ملکوی نایق بزرگ در طی چنگیهاش در افریقا به مردمی برخورد که تبدیل شدند چنان چیز است. مدتها درین آنها بر زاد تراوه و رسم زندگی ایشان را یاد کردند و زویی دومن از اراده این قوم نزد پیش خودشان آنده بودند و اختلاف خود را شرح می دادند. یعنی از آنها تعطیه میکنند که این کنج یا سریعه و کنجی در آن پالنه بود و ادعا میکرد که این کنج در حقیقت مشعل پرورشندگان میباشد و باید باور داده شود. از طرف دیگر فروشنده زمین اظهار میداشت که همین را با تمام محتویات آن فروخته است و لذا از کردن کنج خود را از داری میکرد. و یعنی قبیله روپوش پدار از داده و گذاشت «آبا نولر ز داده ای» از هر جواب داده «آری» سپس روپوشندگانه ندوودند و پرسیدند: «آبا تو صاحب داشت هستی؟» او هم گفت «آری» و یعنی فرزند را داد که پسر و دختر را با هم گند کنید و گنج را هم منوان چهیز پایشان بدهید. اینها بار ضایت که هم از خضور و یعنی مرخص شدند. اسکندر که از فرط حیبت و هاشمی باز مالده بود گفت: «در گذور ما مردوی اینها برپادان افکنده بیشترند و گنج هم بنفع پادشاه ضبط میکنند». و یعنی قبیله پرسید: «آبا در مردم زمین همای آنکه ای تاید و پاران می بارد؟» اسکندر پاسخ داد: «بله چنین است» بزرگ قبیله در پاره پرسید: «آبا در گذور همای کاکو و گوسنده هم وجود دارد؟» اسکندر پاره میخواهد همچو این مقصود در یعنی قبیله گفت: «پس آنکه بظاهر این جیواسات معمول در آنها مبناید زیرا معلمتنا مردم آن سر زمین شایسته هنوز برگانی نیستند».

ھیل و شہائی

روزی شخص پیکانه‌ای بنزد شمای آمد و بارگفت: «اگر تو بتوانی تمام نورا را هنگامیکه من بپرسی پیک با اینستاده ام بنی باد پدھی بهوی خواهم شدم» شمای از ششده‌ان این سخن مصبابی شده و اورا باشوب هما از ارد خود راند شخص مربیور شمای را ترک گفت و نزد هیل رات و همین سوال را ازاو کره هیل راه را چو ای پتوخواهم آموخت » پلی من ایام نورا را هنگامیکه تو پرسی روی پیک با اینستاده ای پتوخواهم آموخت » و چنین گفت: «ابن سکم را اطاعت و اجاگران، آنچه بخود روا لبیداری بدینگیری روی روا مدار، این امر اساس نورا است و بقیه آن تفسیر این جمله می باشد» «اینک برو و آرا مطالله‌کن» بیان ترتیب شخص پیکانه ایمان آورد و برای راست هدایت گردید،
ترجه: اسحقی، مرادی

نمره . اسکنی . مرداد

حقائق بحثاً عنوان

حقایقی چند بعنوان
پیش از صفحه اول
راه رانه بکار اداخت و از نیروی نگری
خود استعداد طلبید.

لیزوی فکر
با گواهی تاریخ میداهم احمد ابی
برادری خواجه زلکنی دکی و دفعه در مقابل
نام ایام طیین دارای هیچکو، و سبله
لیزه و پرازی فاقع آمدت بر مشکلات
زندگی و نکمال مستکار فاعل اجتماع خوش
با پستانداران من در یوزی لکن شوره که معمول
نکمال دستگاه غیر میباشد تا گفت و به
پیشرفت های قابل ملاحظه ای البته «فیر
مسکلی» نالل آمده، بشری که چند هزار
سال پیش برای حفظ خود در برابر هوا راش
طیبیت پیارها پنهان نمیبرد، امروز دارای
عمران میباشد، اما این میباشد.
پدر ان ماتا نهاد سال پیش برای طی مسافت
فرستک چندین شباهه روز پامتنفات
زیادی دست پیکر بیان بودند اصرار و
هوای اپیابن مسافت را فقط در پند ذهن
با همیلت موقوت پیمایید.
تم این رسال و دفع نیاز مند بهای
زندگی که موجود تین امروزی است و در
آن در سیارات روز مرمه مامنتر بود و از آن
هره مند بیش و بیش نموده بایست که از ماوراء
طیبیت برای امار منان آورده باشند و نهود
بنوید مانند فارغ از زمین روایده است.
بلکه فقط مجهول نیروی نکر تکامل
باشه و کار پیشراست که در مبارزه با مشکلات
و یازده مدد بیایز لند کی بودست آمده و برای
مصول مولتیت و وزاف زون و ایجاد نیای
آزاد ای از این ترقی پیر آزاده خواهد داشت
ازین خواص نیروی نکر پیشراست که اشرف
موهبدات بدن اور را معز و مسلم دارد
اجماع فاسد
در مقالات آینده شهه از تاریخ
چکو لکی رهد و تربیت و مهاره نکامل
نیروی نکر پیشرست مذهب خواهی کرد ولی
میتواند این نظر شواند کان کی ای دا به
نکات زیر متوجه مایم:
با و هردو زحمات لر او ایلکس بش
دوستان و ائم در راه اوع بروزی مندم
شده و آثار کر ایه ایکس بش ای ما باقی
تیزی و تحلیل فکریستی.....
لر داشتم آنها

کل از ارده الدنور زدن کی بسیار مسلسل باشد در سهاره اینها
دادخواهی نداشتم. همانا متذکر میشود که آنای مهمنا نه فقط این داده اول است
که اینطور باشانگردان رفتار کرده بذله: درجهنه سال قباره بیر پسر دیگر
همانکثیر هندزی از ادراط امیری، زد که دلدان اورا شکست و غلام دارای دیدات
معنوی است. عجب نز اینکه دریک دیروستان حقیقی مملوون لاپاً اهل مجرح شده را پاک مان گذاشت
لیشود که اولاً پس از قصاید مملوون لاپاً اهل مجرح شده را پاک مان گذاشت
شاگردن خودشان بدار و خاله پنهان نبر لد ۱۱
با تقدیم استرامات.

بایا ایسرو ائل مکاتنه کند

« علاقه مندان بر وزنامه ایسرا ال میتوانند مطالب خود را در صورتیکه ملید بحال جامعه باشد بطور مختصر برای ما بنویسن تا خوانندگان ایسرا ال از افکار آنان « مطالعه بولو و ضمناً راجع به مسائل مهمی که در باره آن قرار دارد از ما پرسش کنند تا پاسخ آنان داده شود »

فای مدیر محترم روزنامه ایسرا

از آنها که همچنان اصلاح چامه نظر دیگری نداشتند و صلحات نامه ایسرا
لیز برای همین منظور اختصاص داده شده است اینکه مطالعه زیر ارسال و امیدواری
که بادرج آن مارا بیش از پیش بنامه ایسرا مل ملاقوند گردید.

«خطای بعضی از اضطرابی حیران اغیر قابل اثبات است»

در شماره‌های اخیر روزنامه ایسرا مل چند متواتی به اخبار حیران اختصاص
داده شده بوده، این اخبار حالمی بود که در اثر تدکر کتابتی در بی جوانان و

روشنکران مهوصا روزنامه ایسرا ایل بالاخره سرینهانان مامی خواهند بوده
تکانی بدنه و اینچی بسازده و مختصری از آلام و درد های بی درمان چامسنه
مارا شفایشند.

الراد معزوم چامبه ایسرا ایل از شنیدن این اخبار مسروع هدله و گیاره
کردند که اینجن دانسته اداری تشکیل خواهد شد و دردهای چامبه و اخوانهایش
ولی روشنکران و هلالیندان بامور اهتمایی ^۱ ناتکه مختصر ایله ای
با آنایان متناسبین و تروتندان ایسرا ایل دارند از همان پداومرد استند که ایسرا
تکانی که اینان بدداده اند مانند تکانی است که بک لرد خواب آورد در اثر
شنیدن صدای بطری بدده ،

چوانانی که سر لوشت ملت خود هلاکتند هستند مید استند که اکنتر پست

فریب با تلاقی اینها مبینه میرای مارا تشکیل داده‌اند، پس نوش ملت خود را به ترقی علاوه و مبینگوله معلومات انتہامی ندانند و از چنین اشخاص بیهوده و بیهوده توپخانه بنش برگز را لپیوان داشت.

بالاخره این موشوهای سپار میدانند و بدینجهت همیگونه اورامیدی از تشکیل جلسات میرادردشان پیدا نیافرند.

اما اولاً طبقه‌هوان و نعمیل کرده اسرائل نه فقط بینشی از اهتمای حیر

را اشخاص خودخواه و مخالف شماره دارند. آنان را خطماکار یا میدانند. من صریحاً این صفت یعنی خطماکاری را باعضاً حیرانیت داده و همچو قدر و در همه جا حاضر مخطاطی مسلم آنان را ثابت کنم.

میگنست خواندنگان هریز مرار فردی استساناتی پشمایندو یا کمان کشت که از روی افراد شخصی یا تابان حیران ایرون حمله میکنند، پسند و واسطه برای رون شبهه در مین مقاله خطاطی مسلم اعضاً حیران را ثابت میکنم:

همه‌ی ابراهیم امرور گزارید بختی هایی شمار بست المقدان فردا هنر
وجود خود خواست و موهومات عدم رهابت بهداشت افتخار می‌نماید امراض کوکاکو
مشهد و صراحت امراض مدار بینی البتهای غرض آسودگیران و وو ... همامه مارا بزم
بر نگاه لبستی سوق میدهدن پاها و املام مغرب و بست کننده لوق باید مبارزه کرد
لاید که اشت که انتشارات غرض آسود دیگران یعنی هنرای مردوز و اینجنب بر سر
که منظوري هزار کل آوارگردان آبرو ماهی کر گفتن للهادار ایشان زین توسم

بابد، برای ارتفاع، مطلع لکر همه، مخصوصاً بجهات پایه های مجاہل سذراً الى برقرار کرد
ابن اصلاحات و ابن میارات لازمند و اگر صورت عمل نکیر نند دیر باز
بهانه مالکیخ خواهد شد آقابان سبزابیون نیز بلند و این اصلاحات علیده دارند
بس همچرا اقدام لی کنند؛
ایران که ویربی تهاجم مارا قبول کرده وی تو پالد برای نوده مظلوم
اسس اسلام کاره، اعلام دهنده جو اهل امشت، احتمال لی، دهنده این آقابان که خود

مرشد و مادری همامه مالکیه اد میکنند بروای چه بهبیچ پیر رسیدگی لبکشند اور چه
ها لان از هر شایانی کوش های خود را پیشه کدانشنه و کرشنه اند ادا کر بشهر شاتم
لر لان و لدیده الله ک فقط در بکی از خدمات دیوار ۶۰۰ للر بیوه دی لان بر ای خودر در
جهان برای سکوت ندارد و از همه کوی مقرر اینهمی معروف مند سگر بجنون تبران
یعنی بمجهال ایرسی زرده اند تایپینند که چکوله اطفال ایسرال روی توده های خال
با این اجل اینست.

از این آثار ایمان پسندی اعضاً جبری از این اوضاع وقت بار مطلع هستند و میدانند که جامعه مامحتاج با احلاطات فوری است ولی کاری اینجا نمیدهند؛ با اقلال است خواه را بپرواژه مدار و اشخاص تعمیل کرده که ماباید برای همچو کارگزاری و اکادمی این بحث نکنند پس از این نسبت به چهارمین ایام اسلامی ایران خطاب کردند.

این خطاب موقتی قابل انسان است که این آثار ایمان از هضم و خوبی جبری استند

داده و هرمه را برای نهادت موانع و ارادت تحصیل نرده خانی پندارند.
خانلیل کوهن شکلات وارد ۵۵

دشنهای از دنیا و میخواستند که این را بگیرند، اما هر چند که آن را بگیرند نمیتوانند آن را بسوزانند، زیرا آن را بگیرند و آن را بسوزانند، اما هر چند که آن را بسوزانند نمیتوانند آن را بگیرند، زیرا آن را بسوزانند.

اداره تعلیمات و ازارت فرهنگ مدارم بتوست امروز مدرسه زندان فرون و سطی است یا معجل تعلیم تربیت آیا هنوز شکنجه های دوره بر ریخت بجهای اصول تربیت باشد بکار رود آنکه مصالح دین و مسلمان انجام آیا بهزیرست مملویست دیگر که هم دارد آیا در آین نامه های فرهنگی پیش از اجازه ای به ملمسی داده میشود که بجهای تنبیه اخلاقی است بشناختن قدران تمامی امداده است

شطوب موسی هنڑی زاده محفل کلاس ششم ابتدائی پسرانچالب چن روی قبل که با مرشکسته و صورت خون آسود بینزل آمد هاشم موہب و سوچ شد. سوال کردم چهار اتفاق ازنا داد آیا، مصلحانیکی الا

معلمین مدرسه پرای تئیبیه گردن بکی از شاکردان
چو بادست خود را برتاب کرد، چوب به بیشانی من
اصابت امود و مجهور گردید. اکنون پنج روز
است که از این واقعه میگذرد رسور صورت پسم ورم
گرده است اهراش پنهانه اه از احاطه این است که
چرا پسم مجهور شده است بلکه از این لحظه است
که درین مملکت مشروطه با اینهه بر نامه هار یعنی
نامه های هر پس و طویل تر هنگی ۴۰ مجهور قاتل ای
و خود دارد که هنوز معلمی بهواهد با چوب و گلت و قوه فهریه شاگردان ر
نمیست کند. با چنین کیفیتی و بازیزین معاشری در این زمانیکه لزوام اصلاحات لقطه
روی اصول علمی و انسانی احساس میشود چگونه میتوان به آینده اطلاع خود
لحظه تعلیم و تربیت در مدارس اطمینان داشت ۱۱ آیا متصدیان مدرسه و وزاری
فرهنگ در مقابل اهمال خلاف اخلاق و وظیله خود را مستول اینلاند در
باره انتظار رسیدگی دارم و هنچه برای چلو گیری از این اینلیل عملیات قسر و
وسطی ای الدامائی بعمل باید ناجازم به مقامات الایمنی من این رکارش دارد

کشمکش ایران بدانند

پله ازصلحه اول
دهاده، استهاده و شزاره هار ایمه اطالبهان
و مسنانی شده اند خوشبختانه باین اذنه
بر پیشوند گهه،
اعمال این عملیات خلاف
اخلاق که، وح اسلام و ایزره
منشی ایرالیت از آنها بیزار و
روگردان استهاده وارد بهتر یاکو
از جایل ایرالی لمایان خالقی
بوده است که در جامه ایرالی
خواسته الد تاریخ درخشنان و
تمدن هشیخ ایران را که دار
ملوحت سازند، کساییکه بخطاطر
تیکن کردن جنبش ایرانیان مخفی و
برای استفاده های ناشروع بیکنکاتمان
میز که آزاده ثوری های بوسیده و
باهملاهه، اختلال مذهب را علم کرده و
برجان و مال گروهی ایرانیان بینکناده
خدمتکار را ناشن و تبدی بوده است
همه بوده ایان ایران هم که بغير ای
از اخلاق و حسن سلوک ایرانیان مطلع بوده
بیهوقت این ۲۰۰ خطا هارا از تاجیمه ملت
لوجه بیرون و با شرف ایران ایله است و
در هر حال برای وفع آنها جز برامعی
صلاحیت دار کشور خود نظم ننموده و
باری نتوانسته است.
جامعه بیوه دیان ایران

با خود بی از دیر باز تشنیس داده است که دشمن او و دشمن انتخارات ملت ایران یکیست و کسانیکه تحت عنوانهای مبتذل و احمقانه به اجتماع او تاخت میاورند همان کسانی هستند که در زیر پرده و به مردمی دست های پیدا جنیبیان و بخاطر نشینی گردن نام ایران و اعلام عدم رشد اجتماعی ایران و بالتفیجہ مخدوش نمودن استقلال و محدود نمودن آزادی ایران توطنه میکنند

اًندازلد ضمِننا لیز از دولات مینخواهیم همه‌چنانکه ناگفون بوده است اجازه ندهد که امنیت افراد ایرانی به عنوان اختلاف مذهب دستخوش اختلال و نامنی گردد ملت ایران حادثه قتل مژاور ایه‌بری و واقعیت شاهزاده جباری را که پس از آن دامنه تیر ایران گردید فراموش نکرده است. دشمنان ایران پداند گهه اکثریت ملت ایران دیگر فریب عوام فربینی های آن هاران خواهند خورد و آزادی را که بیهای خون بهترین افراد آن بدلست آمده است از دست نخواهند داد. پداند گهه این حدیث دیگر کهنه شده است و برای خوائی خدمتی پاید بنحو تازه تری دکان خود را باز کردند «امید او»

اًنتخاب بود ایران در هنگام که حاکم کشورهای گفت در آتش المقاوم و دشمنیهای مسلکی و عقیدتی می‌سوخت دوش بدش سایر برادران ایرانی خود برای کسب انتقامات ملی و پیش بردن فرهنگ و اقتصاد ملت خود با آزادی و فراغ بال بهدو پبارزه میکرد هیچکه این همه معیت و آزادی شواهی و نوع پرمنی را فراموش نکرده و همواره پناظر سپرده است نا آنجا که در کتب مقدسه خود نام شاهزاده همان و ملت ایوب ایران را با احترام و ادب، و شناسی باد امروز و در نمازهای مذهبی خود پهلوان آشایش و صلح و سلامت ملت ایران دعا میکند آن تو امروز که تمام کشورهای متمدن و مترقب جهان امکان کوتاه بر سر ازه و نظایر ایه‌بلان مذهبی را بیکسر نماید و همه الراد ملت دست در دست میرای بنای یک سلاح مداوم و پایدار و پهلوان ایجاد اجتماع مترقب و سالم و زندگی مرتب و می‌درده همکاری و میادن میکنند امروز که تنی در عقب ماله، ترین کشورهای غرب که سابقه تاریخی آنان اغلب پیک دهم سابقه تاریخی ملت ایران را بررسن اند از مردم اسلام خوش و زردو روی و زنگی از آزادی هنایه سیاسی و مذهبی پیشواردارند، در کشوری که نامنی، ندانی می‌باشد، از هنک شود

آگھی
جمع ہواز صندوق پس انداز ملی اسال بہ دو

میلیون و پانصد هزار ریال افزایش داده شده و
چاپیزه اول آن ۴۰۰،۰۰۰ ریال است

بانو توران حسینیه شاپیم
دیپلم مامانی و دارای ساقه هندن ساله در راه شکاه های نهران
بهارهای زنان خصوصاً سوزاک و هوارش حاصله از ۲ لر ا در کوتاه ترین مدت
و کمترین خیچ درمان می آید.
لشائی سه راه سیروس-مغلب دکتر کهن
شرکت سهامی چاپ

رماتیسم و عوارض ...

زاده شد باید از هفت خان هواز آن
چلو کبری نمود از پیاده روی و دوین
و هست و شیز کرد و دوچرخه سواری
شود داری گند
پیمار مبتلا باید بدن و روشی
خرده را نشته گند و او مبارbat زیاد و
نشه کشته احتراز نماید
ستن، المدور. اگر پیمار پر است از
زن گرفتن و اگر دختر است از شمر کردن
شود داری گند. در اینجا یکی از برخشان
بنام پسر تالوونی برای دختران
وضع کرده است که برای میشلابان به
رماتیسم مفصلی حاد و هواز غلیق آن
لهاست امبت را دارد. پسر میگویند
« زیمار اگر دختر است زناشویی
لکندا اگر شوهز دارد آن بست اشود »
و اگر مادر است شهر ندهد
کرچه این قانون صد درصد می
بست ولی برای زیمار ایکه مبتلا بیمار از
غلبی و رماتیسم و سل سینه من باشند باید
متاهاجرا شود
برای چلو کبری از بروز رماتیسم
با سینی از رطوبت دوری گرد و در مواد
ساختن انسان نمازیل باید تو جه کالیں بنکات
بهداشت آن داشت و از زدگانی در
اماکن بنیان گز ناریک و مرطوب و خشک
مناسب خودداری کرد. هر اطالبی باید
دارای شفافی و سیب و درشتانی کالی
آنها بکر باشد از از لذت کالی کردن
اطفالهایی که رویه نسوان وبالای آب ایالات
ساخته شده که رطوبت تاکرید بوار کرد.
لذت گرده باید شود دارای کرد.
در تابستان از خواهایان در سردابها
کنند

پشت خود را پدیوارهای مطربون
تکیه ندهید و از قرار گرفتن در هر یارانه
زیاد پادخودداری کنید - در اطاق که
چمیست زیادی زندگی میگشند دود چرا
و بقایی و دود سیکار و گرد و هیبار
غیره در آن است نزدیک اطاق های خوش
رایابان گذاشتن پنجه آن ترویه نهایی
منصوص شاهنگام شب بگذارید هرای اطاق
تجدید شود - گفت اطاقها را بهتر است
از آنها مفروش سازید تا رطوبت کنند
در آنها لایو نماید.
کودکان خود را هر چند وقت یکبار پنجه
پر شکن بر سینه نهادند تا آنها مانع نموده
چنانچه هارضه رماتیسم در ایشان مشاهد
لما ماید هر چهار روز در متشوف درمان گردند
منصوص اس دختران رایابی بیش از سی سال
از اظطرار خواهش قلبی و رویی تحت
قرار دهید. بسیار از این اگزار
مادران بی تبریز است که بیانات دختران
شود را در این موادر در درمیر غصه خطرناک
میدهند و چه بسا زنان بولانی که در مطلع
هیباب در اثر این بیماری ها با خالک سبک
هم آفرینش کنندند.
هر کاه کودکان شما شکایت میکنند
که هنگام بازی پارالمایشان زود خسته
شواهد و نینیتوانند مثل سایر اطفال هم
و خیز کرده و بدواند و یا اینکه هنگام ر
رقن انطباقهارستی و کسالت میگشند
همیشه گسل و بزمده و رونک پریده هستند
باشد که طبل شما شروع نیست یاکه با
هر چهار روز در اورا پر برشک انشان دهی
تابا گوشی قلب کودک را مانع کرده
در صورت لزوم بیداری وی بپردازد
در مروره بیمارهای قلبی استراحت
کامل بیمار ضروری است و همان باید
هر کات خشکنی آور و چست و خیز ها
بیبورد کودک را بازداشت و آرامش
استراحت کامل او را معمور نظر فرازد
نهایی بیمار را باشد از روی نظم
نم تیپ معین بدھید.
و ماتیسم بیشتر در خانواده های مبتلا
سومو کایمک دسترسی پندها های مقوی
لدار الهم بیدا میشود - شیر - سیر - بیانات
میوه هایات - و سایر غذا های مکه مادر معدن
و روشنایی های مادرانه میگذرد این
حمام های گرم و آبهای معدنی در پیش
رومانتیسم بین تأثیر لیست. سالیلات دوسوس
بگانه دارویی مضمونه و منیسم و هوارش
آنست بشتر طی که تحت نظر پر شک و
مقدار کافی، تجویز شود.

دکتر گون

رادیو خوب از لوازم ضروری منزل است

شایط پک رادیو خوب ، استنکام و درام - پرسه‌الی و اوزانیست
رادیو « لنگوسن » (Ferguson) از خواص ناپیرد بالایی بیازاست
« مغازه ای نادری مقابله با میراث شوروی نماینده انحصاری
در ایران »

ہامفری بوگارت

دادر جنگ یز هقر من...

بچه از صفحه اول ۵۰۰
به کوچکی در: گرامی روز ب؛
نهایی پشت در: باراداشتگاه استاده و
پنهانش را به چاهه خارج از معراه
سیمهای خاوردار، در خلخله بود، پشت سر
او مابر ساکنین باراداشتگاه نیز، بار
از: گرامی سوزان آفتاب به چادرها
و گله های دوطرف، شیانهای پرسرو
مدادی باراداشتگاه پنهان بوده بودند.
بهمین منوال صدای موتویی گوش
کرد و رسید و پس از لحظه ای مادرین
عصر منصور آب از میان گرد و شاخ چادر
لمايان شد بسیره دیدن مادرین آب پرس
بچه بطرف کله ها درید و برسان
آلبانی ریایان گردید و اسر، و اسر
رسو و کله پنهانی دیگر هم از این طرف
آن طرف پیدا نشد که برپایهای مختلف
لمسنیانی، فراسه، و ابطالیانی ریایان
میگزند آب آب، آب
مردمی با یک پیش پنجه از چادری
بپرون دید. یک زن با قوطی هیز
شکن خالی بدل ای او وهمبار شد هر
کس از کاری که یان مشغول بود
دست گزیده هر چیز که ممکن بوده
آب تکمیل ای این شدند برای گرفتن آب
ماشین آب جمع شدند برای گرفتن آب
هر کمی سی میگرد سایرین را هم
برده و خودش را په شیر برساند
بزودی تنان آب خالی شد مردم تدریجاً
با ران نهایی پر از آب دور شدند. اندوه
ماشین که یک گروهان چون اکلیسی
برود و کنار مادرین استاده و ماشین را از
بشت رل قرار گرفت و ماشین را از
باش داشتگاه خارج نمود.
در دامن یک چادر زن سالگورده
ای از یک نهان موسوم به موشه مشغول اصلاح
مرد جوان موسوم به موشه خود را هم
برده و خودش را په شیر برساند
بزودی تنان آب خالی شد مردم تدریجاً
با ران نهایی پر از آب دور شدند. اندوه
ماشین که یک گروهان چون اکلیسی
برود و کنار مادرین استاده و ماشین را از
بشت رل قرار گرفت و ماشین را از
باش داشتگاه خارج نمود.
در دامن یک چادر زن سالگورده
ای از یک نهان موسوم به موشه خود را هم
برده و خودش را په شیر برساند
بزودی تنان آب خالی شد مردم تدریجاً
با ران نهایی پر از آب دور شدند. اندوه
ماشین که یک گروهان چون زنانه
و پیک شلوار کوتاه مندانه را که رنگ را
بر روی آنرا آب پخت و باتکه صابون
زور در یکی که شستن لباس پرداخت و لی
خیلی با تائی چشم ای ای ای ای ای ای ای ای
خود او حامله بود،
پس از اینکه برای پس از دزم بسا
تحمیت زیاد به کله قاشق آب زوی
لباسها و بیت آنها را نشید و پرای
خشکیدن دوی پندی آویزان نمود.
موشه بیش را پاک گرد و کنار گذاشت
زن سالگورده روی حصیری در از کشیده
ر خودش را با دستمال باد میزد و هر
چند لحظه بیکبار هرچ صورت را پاک
بپکرد. سکوت دو مرتبه هاده های
باش داشتگاه بزرگ ای ای ای ای ای ای ای
خود را همچنانه خارج نمود.
در آنها بود که پاک شدن اکلیسی
آنها را بازداشت نموده و به قبرس انتقال
داد. موشه و مطوا با تو استند برای یک
لحظه ته های در خشان فلسطین را بینند
ولی سر بازان اکلیسی آنها برپور از
کشی ماهیگیری خودشان بیرون کشیده
و در مالیکه اندک از چشمان ایشان پاری
بود آنها برای بزدن پیچزهه قبرس
به یک کشی پاری ای شده و پس از ای
سالمن در درد ریا پهتل او بز و رسیده.
در آنها بود که پاک شدن اکلیسی
آنها را بازداشت نموده و به قبرس انتقال
داد. موشه و مطوا با تو استند برای یک
لحظه ته های در خشان فلسطین را بینند
ولی سر بازان اکلیسی آنها برپور از
کشی ماهیگیری خودشان بیرون کشیده
و در مالیکه اندک از چشمان ایشان پاری
بود آنها برای بزدن پیچزهه قبرس
به یک کشی پاری ای شده و پس از ای
در پندر فاما کوستا آنها را ای کشی
بیاده کرده و سواره ایشان پاری او از دل
هنگامیکه ماشین از شیانهای تذکر
لما کوستا و جاهده که به پاراداشتگاه
منتهی شدند پیک داشت زن شوهر جوان
و سایر همراهانشان بشله های پیک پیک
تکیه داده در حاکمیکه ماشین بر از دست
الدارهای جاذبه از تکانهای خدیده بزد
آنها سرود هاییک و یعنی آواز ایید
بپوردا نمودند.
موشه برای آنکه ملکه بار ای ای ای ای ای
آنها حلظت کند دستمالی بر سر او اندانه
و گرمه زد بزد.
دو سرباز مسلح باشند های خود
کار در بلوی دروازه بزار داشتگاه
کار او ایوس قراول میدانند هنگامیکه
ماهیرین داخل کامپ شده بودند سایه درودی
حصار بیم های خاردار، به پندتی چهار
یارد بر صورت آنها اندانه در همین حال
آنها سوت زلان از زیر پرسهای دیده بایلی
هیور میکردند و دویس بازالتی که بامسلی
بالای راه آیا پاس میدادند بزرنگ درده
با ایشانشان ملامت پیروزی (V) شنان
میدادند در داخل بزار داشتگاه بیرون یان
دیگر، پهلوه نازه و اوردن همچ شده و
صورت یکایک آنها را برای باشند برادر
پدر با چهار آشناشان بررسی میگردند
یک ایوس اکلیسی روز به تازه و از دین
نمود و اظهار داشت چ اثابهه تان را
پس از تقبیش میتوانیده بزول بگیرید،
ناکننه ایاند که کامه ایوقات پهوده یان
در کوله بشنی، لای بشن پیدا داشل صابون
دینامیت پنهان گردیده بودند و لذا اکلیسیها
در این خصوص ذوق الماده دافت، بگردند.
موشه و مطوا بیک چادر که هفت
نفر دیگر در آن زندگی میگردند
و اهانهای دیده این هفت لله یاریت بزد
لمسنیانی راه بیانند، و لی بر خلاف
این انتظار شماره مهایرین روز بروز
بیشتر میشند.
کشی کوچک بالای باشند و
سرشنی از اینالیا و بولان رسید، بدایل
آن کشی کنست ایسال باهه هزار و

ایلانوت

نیزه از صحفه اول
و تسلط بر هنرها، طبیعت پتواند شرایط
مساهده برازی لذتگیری اجتماعی خود
ایجاد نماید.

بهره‌های هنرمندانکه در آثار و رسوم
ملی و مدنیتی مشارکه می‌شود بیش از
هر مردم دوست نویه بپوشانوری و استناده
از اثبات طبیعی، داشته‌اند

ولی: متأسفانه در تبیجه تعلیماتیکه
در تاریخ خوبی بیهوده بروجود آمد و آنها
از دردینها برگرفته کنده نموده و آزادی میل
از آنها سلب شده، بجز این ادای زندگانی
خود و در اثر محدودیت، باعمر دیگر
بر اختنده، ولی می‌شنت دیرین و پیاد کار
تاریخ متین خود را امداخته نگرفته‌اند.
ایلانوت موقن است که طبیعت پس
از تاخت و تازی های زیستی و برق و باران
های متوازن و بزیرمده میکند بیدارهاد روزی
نهضت مهندسات طبیعی بهاری که مقدمه
خشونی بازرساندن طبیعت بهاری که مقدمه
آن چونه درختان و شروع عرضه بیانات
است شناخت هدنه.

این رسم در ازد بیهوده بیان در تاریخ
مینی از رمان تدبیر بادر نظر گرفتن آب
و هوای مهلاکت بیهوده بیان در موقع استقلال
باشد است.

بیهود پاشنی که دارد شناخت میدهد
که همواره بیش از سایرین باطبیعت سر
و کار داشته است و برای ایجاد شرایط
کالسی در زندگانی اجتماعی باطبیعت
مبارزه میکند و بیدارهاد بازشد نکری.
همانه از قوانینی که در طبیعت است حد
اکثر استفاده را بناید.

جهش ایلانوت شناخت است که پسر
ناچار است زندگانی مادی خود و بدست
آوردن و سابل ضروری آن را بسازرده
در طبیعت نامی نکند، کار و خدمت اکوشش
و فعالیت مبارزه با اعمال مساعده و تسلط
بر هنرها طبیعی، درک و اقیانی که در
اپتیمیم و در طبیعت موجود داشت و ترسمه
نمی‌شنت و بازاری از باید شمار ازعیز پسر
برای رسیدن بهدف شترنک اجتماعی و
ایجاد زندگانی مساعده نهاده همیشگر از کبرد.

چارائی چاہلین

پلیه از صاحب اول
خیال تکنید منظور شده من خودم
میباشد. من بباب مثال اورسن او لس^(۵)
را بادآوری میکنم. البته من با مقابله
نامبرده کمالاً مغایر میگیرم به حال وی چهارت
خوده و دست رزبر مینه از پایان بزرگ
هولپرورد زد از اینها او دینک هیچگونه
موافقیتی دره و بیووده نداشتند اشته باشد
اگر آخرين نیزه هولپور است اگر
من بیوود تعمیر تکبرد که از یکان و
استنادار تیازرسون لذت‌های خود دست
بر لذا اشته متوجه این حقیقت شد. شروع که
شاکارهای هنرها توان بشکل دسته
جمعی مانند ترا کنور بیرون بیرون داد از این
معبار شکست خودره در شاهدآمد من
گمان می‌کنم که وقت آن رسیده است
که در راه لوین قدم کارداد نای بولندی
مطابق الننان جامه پوشیده باشد.
مسکن است که من بپرورد از آمر بنا
خارج گردم در کنور یکه آخرين روز
های مردم را برخواهتم برد سی خواهم
نیود این لذتکه را در خاطر داشت باشم
که من بپرورد هستم مانند دیگران و
لادامتنع هاگلکه احترام که سارین^(۶)
نامبرده کار گردان و هنر پیشه

احرار فلسطین

صنعت فیلم ایرانی را پتو سعهه میرود
له نهایا بلدهای از مناظر بدبوده
ترفیات ساختنی و گشاورزی و غیره
برو افته خواهد شد بلکه نیاهای ریبین
و علمی زبانی هم نهایه و پرسائی تمام
مدارس به مردم لسلطین و حنین بکلابه کشور
های جهان ارسل خواهد شد .

قداگاری اثر و تمندان فلسطینی
آنای آبراهام روتنبرگ مفهم جهنا
احب همه ترین سهایم که بنگاه بر ق
فلسطین در مدد پر آمد که منابع نهایم
خود را وکل مؤسسات امام التمنه و
نهادن آژوش و یروشان توسمه داشت
و هنر و تربیت بدانی و خلاصه هزارع
روش تعلیمی و تربیتی اسرائل نمایند .